

مصائب کارگران بی حقوق شرکت آونگان / گزارش کارگری



شرکت آونگان یک شرکت دولتی با 700 پرسنل است که در زمینه ساخت دکل های انتقال نیرو و مخابرات و تولید نبشی های ساختمانی فعالیت می کرد . در اواخر سال 82 زمزمه های واگذاری شرکت به بخش خصوصی طبق اصل 44 به گوش رسید . کارگران بلافاصله به این خبرها واکنش نشان دادند و با دست زدن به چندین اعتصاب غذا و تجمع در شرکت ، نارضایتی خود را اعلام کردند . در نتیجه این اعتراضات 2 درصد از سهام شرکت به کارگران وا گذار گردید که بهای آن طی چند ماه از حقوق آنان کسر شد . در نیمه اول سال 83 گفته شد که شرکت در بورس تهران به مبلغ 12 میلیارد تومان و به صورت اقساطی به فروش رفته است ولی بعدها معلوم گردید که واگذاری از طریق بورس انجام نشده است .

شرکت در حالی به این مبلغ فروخته شد که دارایی های آن شامل موارد زیر بود: چندین خانه ویلایی در شهرک صنعتی ، ایستگاه تست دکل در جاده اراک- خمین روبروی دانشگاه فلق ، چندین دستگاه خودرو سواری ، آمبولانس ، جرثقیل ، لیفتراک و...، ساختمان دفتر مرکزی شرکت در تهران ، چندین تن بار و محصول و دستگاه در گمرک بندرعباس . در آن زمان کارگران شرکت اجتماعات زیادی برپا کردند و فروش شرکت را حراج بیت المال نامیدند .

غلام عباس جعفری مالک جدید کارخانه طی مراسمی با حضور نماینده استاندار و فرماندار وقت معرفی گردید و نماینده استاندار در سخنرانی خویش عنوان کرد که آقای جعفری در مسیر پیشرفت آونگان و شما کارگران قدم برمی دارد . غلام عباس جعفری مالکیت شرکت را به مجتبی جعفری فرزند 32 ساله مجرد خود انتقال داد و نامبرده مدیرعامل شرکت شد . در نیمه دوم سال 83 ایستگاه تست دکل ، منازل مسکونی در شهرک صنعتی و به دنبال آن ماشین ها ، محصولات نیمه ساخته به صورت تدریجی به فروش رسید . با هر فروش یا تحویلی در شرکت کارگران دست به تجمع می زدند و علیه اقدامات ویرانگر مدیریت شعار می دادند . کارگران اعتراضات خود را با نمایندگان مجلس مطرح کردند و در اولین سفر استانی رییس جمهور با پلاکاردها و نامه ه ایی به اطلاع رییس جمهور نیز رساندند ولی هیچ نتیجه ای عایدشان نشد . در اواخر سال 85 سالن غذاخوری کارگران بسته شد و کار روزانه یک ساعت کاهش یافت . به کارگران رسمی ماهانه 40 هزار تومان پول غذا داده شد ولی کارگران قراردادی نه غذایی داشتند و نه پولی به خاطر آن دریافت کردند .

در نیمه اول سال 86 در حالی که عیدی کارگران پرداخت نشده بود ، تاخیر در پرداخت دستمزدها نیز آغاز شد . تولید شرکت نیز از روزانه 120 تن در سال 82 به روزانه 10 تن رسید . دوباره اعتراضات کارگران شروع شد . آنها جاده ی جلوی کارخانه را بستند که به دنبال آن فرماندار وقت آمد و قول هایی داد و به خون شهدا قسم خورد که ریشه ظلم را بکند . گفت که ما خبر داریم که آقای جعفری 160 میلیارد تومان وام گرفته و ایشان باید شرکت را راه اندازی کند و حقوق کارگر را بدهد اما نتیجه ای دیده نشد . در اواخر سال 86 با اخراج 50 نفر از کارگران قراردادی سرکوب کارگران تشدید شد ، سال 87 شرکت راکد بود و تولید نداشت ، و اعتراضات کارگران در آستانه بازنشستگی و کارگران قراردادی اخراج شده که به دنبال حقوق و سنوات شان بودند آغاز شده بود .

نیمه اول سال 88 بعد از عقب افتادن عیدی و حقوق ، موج اعتراضات شروع شد . کارگران به امام جمعه شهر مراجعه کردند که وی در پاسخ گفت کاری از من ساخته نیست ولی اگر مسایل دینی دارید بگوئید تا حل کنم . مراجعه به نمایندگان مجلس هم بی نتیجه بود . به دنبال پرداخت نشدن بدهی شرکت به سرویس های حمل و نقل ، سرویس ها نیز قطع شد و مدیریت شرکت در پاسخ گفت که کارگران خودشان بیایند و بروند و سرویس نمی خواهند . بین کارگران قراردادی و رسمی به خاطر تفاوت منافع تفرقه ایجاد شد .

از تیرماه حقوق کارگران رسمی پرداخت شد ولی به کارگران قراردادی چیزی داده نشد و آنان تهدید به اخراج شدند . مردادماه حقوق کارگران رسمی با اعتراضاتی که کردند با 20 روز تاخیر داده شد ولی حقوق قراردادی ها پرداخت نشد . به دنبال این اتفاقات ، کارگران مدیران شرکت را بیرون کردند و ماموران کلانتری 17 شهرک صنعتی در محل حاضر شدند.

در شهریور ماه غلام عباس جعفری پس از جلساتی با استانداری و فرما نداری به شرکت آمد و در مسجد شرکت و در حضور نماینده استاندار و نیروی انتظامی به کارگران قول بهبود اوضاع را داد . پس از آن حقوق یک ماه کارگران رسمی و قراردادی های گروه بندی شده پرداخت شد ولی به 75 نفر از کارگران قراردادی شامل کارگران انبار ، خدمات و تاسیسات شرکت به بهانه کمبود بودجه پولی داده نشد . با این ترفند وی توانست 170 تن نبشی را از انبار شرکت خارج کند . بعد از این ماجرا جعفری پسر شاکلی شد که چرا پدرم را به شرکت راه دادید و گذاشتید اموال مرا ببرد و از سوی دیگر جعفری پدر مدعی شد که از پسرش طلب داشته است.

مهرماه کارگران مانع ورود جعفری پدر به شرکت و خروج بار از آن شدند . کارگران که حالا تعدادشان به 500 نفر رسیده بود از نگرفتن حقوق و بیکاری و رکود شرکت عاصی بودند . بعضی کارگران رسمی قصد بازنشستگی داشتند که خبردار شدند حق بیمه این چند سال از حقوق شان کسر گردیده ولی به حساب بیمه واریز نشده است . از سوی دیگر به دنبال بدهی شرکت ، آب ، گاز ، برق و تلفن کارگاه قطع شد . کارگران اعتراض می کردند و جلوی درب شرکت جمع می شدند و نیروی انتظامی با حضور در محل مانع خروج کارگران از شرکت می شد.

آبان ماه کارگران به استانداری رفتند و باز هم طبق صورت جلساتی که نماینده استاندار و آقایان جعفری امضا کردند قول هایی داده شد ، ولی کارگران حقوقی دریافت نکردند.

آذرماه ، کارگران به فرمانداری رفتند . پلیس ضد شورش اجتماع کارگران را محاصره کرد و آنان را به نمازخانه فرمانداری هدایت کرد. فرماندار پس از شنیدن مشکلات کارگران با زبان بی زبانی گفت که من کاره ای نیستم و کمکی از دستم برنمی آید .

دی ماه با قول هایی که داده شده بود اعتراضات فروکش کرده بود و به علت ناآرامی های پس از انتخابات کارگران اعتراض نمی کردند تا بهانه ای برای سرکوب به دست ندهند . بهمن ماه خرید عید آغاز شده بود ولی کارگران دست شان خالی بود . اعتراض ها جلوی درب شرکت دوباره شروع شد که نیروهای ضد شورش و لباس شخصی از راه رسیدند و با باتوم و اسپری پذیرایی کردند. تعدادی از کارگران که با فیلم برداری شناسایی شده بودند دستگیر شدند و تا آزادی آنها ، اعتراضات کم رنگ شد.

در دور بعدی اعتراضات ، کارگران برای آنکه با تظاهرکنندگان بعد از انتخابات یکی خوانده نشوند بر پلاکاردهای شان می نوشتند که ما اغتشاش گر نیستیم ، ما تابع ولایت فقیه هستیم ولی از ظلم ظالم بیزاریم و حقوق عقب افتاده خود را می خواهیم. سر ظهر نهم نماز جماعت جلوی درب شرکت خوانده می شد . با این حال ماموران گارد ضد شورش حتی پلاکاردهای یا حسین را از آنها گرفتند و در آتش انداختند . تمامی تجمعات با حضور پلیس ضد شورش و لباس شخصی های اسپری به دست برگزار می شد.

در بهمن ماه ، کارگران به استانداری مراجعه کردند و شعار می دادند "حقوق کارگری ، حق مسلم ماست " . وقتی از پشت بام استانداری فیلم برداری از تجمع شروع شد ، کارگران شعار دادند: کارگر بیچاره ، فیلم برداری نداره . کارگران می خواستند استاندار را ببینند که موفق نشدند و پلیس ضد شورش محاصره شان کرده بود . روز بعد آنها به فرمانداری رفتند و وقتی نتیجه نگرفتند ، آرام آرام ، با پای پیاده به سمت استانداری حرکت کردند که در این مسیر در خیابان امام خمینی ، پلیس ضد شورش با باتوم و گاز فلفل کارگران را مرد ضرب و شتم قرار دادند و متفرق کردند که طی آن تعدادی از کارگران مجروح و مصدوم شدند.

اسفند ماه در حالی سررسید که 8 ماه حقوق کارگران پرداخت نشده بود. طلبکاران جعفری از بازنشستگان گرفته تا قراردادی های اخراج شده ، پیمانکاران غذا ، رانندگان سرویس های حمل و نقل ، بانک ها ، شرکت های آب ، برق ، گاز ومخابرات و...یکی پس از دیگری حکم توقیف اموال می گرفتند و اجناس و اموال شرکت را می بردند . در این میان چه سوء استفاده ها که نشد. مثلا اعضای شورای اسلامی کار در مناقصه توقیف اموال شرکت کردند و چندین تن نبشی گالوانیزه و سورت شده و آماده تحویل را کیلویی 190 تومان خریدند و به شرکت گام که رقیب آن گان بود به کیلویی 500 تومان فروختند. حال شما بگویید کارگر قراردادی که تازه ازدواج کرده و مستاجر است و 8 ماه حقوق نگرفته چه کند؟ یا آن کارگر رسمی که بچه های بزرگ دارد و با 28 سال سابقه باید خانه اش را بفروشد و به حساب بیمه بریزد تا بتواند بازنشسته شود؟ این خصوصی سازی به نفع کیست؟ جواب این ظلم ها را چه کسی باید بدهد؟

انتشار : خبرگزاری هرانا